

آیت‌الله حکیم؛ شهید پیشگام تقریب مذاهب اسلامی



حوزه اندیشه [خبرگزاری تقریب](#): هفتم شهریور در تقویم ماه با سالروز شهادت شخصیت برجسته، طلایه دار و پیشگام تقریب و وحدت امت اسلامی، ششمین شهید محراب و یکی از استادان برجسته دانشگاه مذاهب اسلامی آیت‌الله سید محمدباقر حکیم مصادف است که سال‌های سال در این راه خطیر و ارزشمند زحمات فراوانی برای تعلیم و تربیت شاگردان و دانشجویان جهت ترویج و تعمیق اندیشه تقریب کشیدند و در همین راه نیز به فیض شهادت نائل آمدند.

تلاش‌های علمی شهید محمد باقر حکیم، در سال 1385 ق با کسب درجه اجتهاد، وارد عرصه‌ای جدید شد. ایشان در بغداد به عنوان استاد علوم قرآن در دانشکده الهیات به تدریس اشتغال داشت و مدت‌ها نیز در دانشگاه مذاهب اسلامی تهران به تدریس علوم اسلامی پرداخت.

شهید حکیم به رغم مبارزات سیاسی فراوان، هیچ گاه از دانش و اندیشه فاصله نگرفت و حاصل جهاد علمی او، بیش از شصت کتاب و رساله در رشته های مختلف است.

از اقدامات ایشان در کنار ریاست مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق و فرماندهی نیروهای بدر، می‌توان به ریاست شورای عالی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و عضویت در هیأت امنای دانشگاه مذاهب اسلامی اشاره کرد.

به این مناسبت مطلبی از زندگی شهید منادی وحدت آیت الله سید محمد باقر حکیم (قدس سره) با هم مرور می‌کنیم:

***ولادت و دوران کودکی ایشان**

شهید سید محمد باقر حکیم در 25 جمادی الأول سال 1358 هـ. مصادف با 1939م. در نجف اشرف از خاندانی علمی به دنیا آمد که آوازه اش از نیمه دوم قرن چهارم هجری به گوش همگان رسید.

از این خاندان، علمای بنامی در طب، اخلاق، فقه، و اصول مطرح شدند. شهید حکیم به عنوان فرزند پنجم در کنار نه برادر دیگرش زیر سایه مرجعیت پدرش حضرت آیت الله العظمی سید محسن حکیم (قدس سره) رشد کرد، و از همان کودکی از چشمه زلال تقوی، جهاد، صبر، ایستادگی و فداکاری نوشید.

هنگامی که شهید حکیم در اوائل سال 1980م. به ایران رسید، به حضور بنیانگذار انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (قدس سره) شتافت و امام نیز از ایشان استقبال گرمی به عمل آورد و توجه بسیاری به او کرد و او را تحت حمایت خود قرار داد. همچنین امام به او اطمینان داشت و به ویژه در مسائلی که مربوط به عراق و مرجعیت دینی و حوزه علمیه نجف اشرف بود، به او بسیار اعتماد می نمود.

*حیات علمی ایشان

شهید حکیم در ابتدا وارد مکتبخانه شد، سپس در دبستان «منتدی النشر» مشغول تحصیل شد. اما پیش از اتمام تحصیلات ابتدایی، آن را رها کرد و در تاریخ 1951م. مشغول تحصیل علوم حوزوی شد. او مقدمات و سطوح را نزد برجسته ترین علما و اساتید حوزه علمیه نجف چون آیت الله سید محمد سعید حکیم و آیت الله سید وسف حکیم فراگرفت.

پس از گذراندن این مرحله در درس خارج فقه و اصول مراجع بزرگی چون آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خوئی (قدس سره) و آیت الله العظمی شهید سید محمد باقر صدر (قدس سره) شرکت کرد و مدت زیادی در درس این دو عالم بزرگ حضور داشت. هر دوی این بزرگان به خاطر ویژگیهای شخصی اش اهمیت و ارزش ویژه ای برایش قائل بودند.

شهید حکیم از همان دوران کودکی^۱ اش به نبوغ علمی و توانایی^۲ های بالای ذهنی شناخته شد و احترام و تقدیر بزرگان و علما و اقشار علمی را به خود جلب کرد و از این رو در ابتدای جوانی در سال ۱۹۶۴م. درجه اجتهاد در علوم فقه و اصول و علوم قرآن را از مرجع بزرگ آیت الله العظمی شیخ مرتضی آل اسین دریافت کرد.

پس از این که شهید حکیم به درجه بالایی از علم رسید، تدریس درس خارج فقه و اصول را با حلقه درسی در مسجد هندی در نجف اشرف آغاز کرد و از همان هنگام به قوت دلیل و عمق استدلال و دقت بحث و نظر شناخته شد. پس از مدتی، چندی از علما زیردست او تربیت شدند که در جاهای مختلف جهان اسلام، جا گرفتند.

از جمله آنها می توان از برادرشان شهید سید عبد الصاحب حکیم و علامه شهید سید عباس موسوی دبیر کل سابق حزب الله لبنان نام برد. همچنین ایشان بر فرا گرفتن فقه و اصول بسنده نکرد، بلکه برخی از دانش های روز را نیز فراگرفت تا در نتیجه آن بتواند با پیشرفتهای روز در زمینه های مختلف همگام باشد.

هنگامی که شهید حکیم در تهران مستقر شد، جمعیتی از رزمندگان عراقی در کنار منزلش تجمع کردند و ایشان از آنها استقبال کرد، و همان جا بود که مبارزه همه جانبه را علیه رژیم صدام اعلام

کرد.

*فعالیت‌های شهید حکیم در میدان تولید علم و اندیشه

با این که شهید حکیم در دوران دوری از وطن، بیشتر وقت خویش را در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی گذراند اما با این حال اندیشه او در نظریه های اسلامی همچنان چون چشمه پر آبی میجوشید و با این که بیشتر نوشته ها و گفته های ایشان تا کنون به چاپ نرسیده است. اما آن چه تا کنون از ایشان چاپ شده است بر اندوخته های بسیار و سرشار ایشان دلالت دارد. تا کنون پیش از 61 کتاب و مقاله از ایشان چاپ شده است.

*فعالیت‌های سیاسی و جهادی

افزون بر محصولات علمی و نبوغ ایشان، شهید حکیم نقش بسزایی در تثبیت و فعال کردن جنبشهای اسلامی تحت عنوان مخالفت های سیاسی داشتند. ایشان در کنار علمای بزرگی همچون اندیشمند و متفکر اسلامی بزرگ و مرجع کبیر آیت الله العظمی شهید سید محمد باقر صدر (رضوان الله تعالی علیه) و شهید سید مهدی حکیم ، سازمان سیاسی اسلامی ای را پایه گذاری کردند که بتواند در میان مردم عراق نفوذ کرده و شناخت و آگاهی اسلامی آنها را بالا ببرد، تا همه مردم زیر پرچم مرجعیت قیام کرده و حقوق و اصلاح جامعه خود را

مطالبه کنند. این تلاشها به تأسیس برخی از جنبشهای اسلامی مانند جنبش «النهوض الإسلامی» و «جماعة العلماء» انجامید و از همان زمان آماج ضربه های بسیار شدید رژیم بعثی عراق قرار گرفت.

در نتیجه تعداد بسیاری از اعضای این جنبش اعدام و بسیار دیگری نیز تبعید شدند. در سال 1977م. نجف اشرف و کربلا شاهد قیام مردمی گسترده ای شد که به نام «انتفاضه صفر» معروف گشت. رژیم رئیس وقت عراق احمد حسن البکر، با بی رحمی این قیام را سرکوب و بسیاری را بازداشت کرد که از جمله بازداشت شدگان، شهید حکیم (قدس سره) بود. در سالهای بعدی، حوادث با سرعت بیشتری یکی پس از دیگری می آمد، تا اینکه در سال 1357ش. ایران شاهد پیروزی نخستین انقلاب اسلامی در قرن معاصر بود.

و در همان سال صدام حسین جنایتکار نگونبخت پس از برکناری احمد حسن البکر به قدرت رسید. یک سال بعد، مرجع و مجاهد شهید، آیت الله سید محمد باقر صدر (قدس سره) را به شهادت رساند و جنگی به مدت هشت سال را بر جمهوری اسلامی ایران تحمیل کرد. در این میان شهید حکیم از بند آزاد شد و پس از این که رژیم، دستهای خود را به خون پاک شهید صدر (قدس سره) آلوده ساخت، شهید حکیم تصمیم خود را بر ترک عراق گرفت و راهی ایران شد. این سفر سرآغاز

دوران جدیدی از جنبش اسلامی در کشور عراق را رقم زد.

هنگامی که شهید حکیم در اوائل سال 1980م. به ایران رسید، به حضور بنیانگذار انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (قدس سره) شتافت و امام نیز از ایشان استقبال گرمی به عمل آورد و توجه بسیاری به او کرد و او را تحت حمایت خود قرار داد. همچنین امام به او اطمینان داشت و به ویژه در مسائلی که مربوط به عراق و مرجعیت دینی و حوزه علمیه نجف اشرف بود، به او بسیار اعتماد می نمود.

هنگامی که شهید حکیم در تهران مستقر شد، جمعیتی از رزمندگان عراقی در کنار منزلش تجمع کردند و ایشان از آنها استقبال کرد، و همان جا بود که مبارزه همه جانبه را علیه رژیم صدام اعلام کرد. شهید حکیم از همان لحظه شروع به بررسی اوضاع داخلی عراق و قرار دادن استراتژیهای ثابت برای کار و دستیابی به راهکارهای مناسب برای مبارزه نمود. همچنین ایشان سعی در بسیج کردن همه نیروهای موجود در داخل و خارج عراق داشت تا آنها را به سوی تحمل مسئولیت و رویارویی با رژیم صدام سوق دهد.

مسئله محنت و مصیبت مردم عراق، اساسی ترین محور سخن و فعالیت‌های ایشان به شمار می رفت. و این فعالیت‌ها تأثیر بسیاری در سرعت بخشیدن به سقوط صدام داشت.

ایشان در سراسر فعالیت‌هایش بر ضرورت وحدت بین همه کسانی که برای اسلام فعالیت میکنند تأکید داشت و در راستای تحقق این هدف با تمام جناحهای عراقی سیاسی اسلامی جلسات گفتگو برگزار میکرد. همچنین از راه این گفت‌وگوها سعی داشت مؤسسه سیاسی‌ای را تأسیس کند تا فعالیت‌های اسلامی داخل عراق را رهبری کرده و مواضع سیاسی آنها را هماهنگ نماید.

سرانجام این گفتگوها و فعالیت پیوسته و تلاش‌های بزرگ در اواخر 1982م. به تأسیس مجلس اعلای انقلاب اسلامی در عراق انجامید. در ابتدای کار ایشان بعنوان سخنگوی این مجلس انتخاب شدند، و در سال 1986م. از سوی اعضای مرکزی به عنوان رئیس مجلس معرفی شدند، پس از این که مبارزه از مرحله سری بودن درآمد و شکل آشکاری به خودگرفت. شهید حکیم بر آن شد که نیروهای را آماده و سازماندهی کند تا در برابر رژیم، اسلحه به دوش بگیرند.

این تلاش‌ها به تشکیل «سپاه بدر» انجامید و این سپاه با عملیاتی که در داخل عراق، بویژه در منطقه «اهواز» در هنگام هشت سال دفاع مقدس انجام داد که پس از قیام مردمی معروف به «انتفاضه شعبانیه» به شهرهای مهم دیگری از عراق گسترش یافت، با این گونه عملیات نقش بسیاری در متزلزل کردن استقرار رژیم داشت.

اما در زمینه فعالیتهای سیاسی بین المللی، شهید حکیم در راستای سرنگونی رژیم صدام و نجات دادن ملت عراق از این محنت بزرگ، بسیار تلاش نمود. در تمام گفتگوهایش در دیدارهایی که با سران ومسئولین برخی کشورها داشت، از فعالیت‌هایی که در چارچوب برخی سازمان‌های بین المللی چون سازمان ملل داشت، مسئله محنت و مصیبت مردم عراق، اساسی ترین محور سخن و فعالیتهای ایشان به شمار می رفت. و این فعالیتهای تأثیر بسیاری در سرعت بخشیدن به سقوط صدام داشت.

شهید حکیم در جلسه هیئت امنای دانشگاه مذاهب اسلامی

* فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی

شهید حکیم فعالیت‌های اجتماعی را از ابتدای جوانی خویش آغاز نمود. ویژگیهای ذاتی اش ونسبتی که با مرجع بزرگ حضرت آیت الله العظمی سید محسن حکیم (قدس سره) داشت، برای او فرصت وسیعی را برای انجام فعالیتهای اجتماعی در میدانهای مختلف ایجاد کرده بودند.

در زمینه فعالیتهای اجتماعی، او دیدارهای مستمری به شهرها و روستاهای عراق داشت تا بر احوال مردم اطلاع پیدا کرده و راههای تأثیر گذار را در نشر فرهنگ و آگاهی در میان آنان بیابد.

چنانچه به هیئت ها و دسته های حسینی و تلاشهایی که در راستای پیشرفت محتوا و معنا و هماهنگ کردن آنها انجام میگردد، اهمیت بسیاری می ورزید. همچنین کتابخانه ها و تشکل های مردمی، جایگاه ویژه ای در اهتمام و توجه این شهید گرانقدر داشتند.

تلاش های او در راستای برگزاری همایشهای مردمی دینی ، سیاسی و اعتقادی بسیار بزرگ و کم نظیر بود. او این همایشها را در راستای اهداف و آرمانهای اسلام بکار میگرفت . اما در زمینه فعالیتهای اجتماعی و انسانی پس از هجرت به ایران، ایشان مؤسسه هایی را برای خدمات انسانی و فرهنگی مانند امداد، آموزش، بهداشت، و جمع اسناد تأسیس نمودند.

برای نونه ایشان مؤسسه هید صدر (قدس سره) و درمانگاه های وابسته به آن را تأسیس نمودند. همچنین در امر ساخت و تأسیس دبستانها در شهرها و اردوگاه هایی که مهاجرین عراقی در آن ساکن اند، همکاری نمودند. چه این که در زمینه تأسیس مدارس حوزوی و اعزام مبلغ و حمایت از جلسات حفظ و تلاوت قرآن و ساخت مساجد، حسینیه ها، ومراکز فرهنگی، نقشهای بسزایی را ایفا نمودند.

ایشان در تأسیس دو مؤسسه جهانی اسلامی نیز نقش بسیاری داشتند که عبارتند از:

1. مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی که مقام ریاست این مجمع را در آن داشتند .

2. مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام که مقام نائب رئیس این مجمع را در آن به عهده گرفته بودند .

و هنگامی که ملت عراق پس از حمله رژیم صدام به کویت با محاصره اقتصادی روبرو گردید، شهید حکیم حجم مصیبت و مشکلاتی که مردم عراق با آن روبرو بودند را دریافت و پیامی را به همه عراقیهای که در خارج عراق حضور داشتند، فرستاد و آنها را به تشکیل کمیته های امداد دعوت کرد، تا برای مرحله آینده آماده باشند. و هنگامی که آمریکا و همپیمانانش بمب باران هوایی را به عراق شروع کرد، این کمیته ها امدادات و کمکهای خود را وارد عراق کرد. همچنین هنگام قیام 15 شعبان در 1412 هـ. کمیته های مختلف از سراسر جهان برای کمک و امداد ملت سرکوب شده عراق آماده شدند. و همچنین کمیته هایی به دستور شهید حکیم تشکیل شده تا به پناه آوردگان به جمهوری اسلامی ایران امدادات لازم را برسانند.

* فعالیتهای شهید حکیم پس از بازگشت به وطن

در سال 2003 م. نشانه های مرحله جدیدی به چشم می خورد، آمریکا خود را برای حمله به عراق کاملاً آماده کرده بود. اما شهید حکیم

در آن هنگام با این جنگ مخالف بود؛ چنانچه با رژیم حاکم بغداد نیز مخالف بود. اوموضع خویش را درمناسبات متعددی بیان نمود، چرا که معتقد بود آثار و بازتاب های جنگ خطرناک خواهد بود، ویکی از آثار آن بنا بر گفته او «نا امنی در داخل عراق و باز شدن راه خشونت، و خشونت متقابل» خواهد بود. او با این سخن که نشان از نگاه تیزش دارد، یکی از مهمترین نشانه های مرحله جدید عراق را ترسیم کرد.

پس از شروع جنگ و سقوط صدام در آوریل 2003م. شهید حکیم تصمیم گرفت که به عراق بازگردد. ایشان از روی منبر نماز جمعه شهر تهران، با نمازگزاران و ملت ایران خداحافظی کرد و آنها نیز احساسات متقابل خود و غم دوری از او را ابراز نمودند.

سرانجام او پس از بیست و سه سال هجرت و دوری از وطن که آنها را در بحث و تدریس و فعالیت و رهبری سیاسی گذرانند، به عراق بازگشت. وبا وجود هشدارهایی که از نزدیکانش دریافت کرده بود که او را از بازگشت به عراق بازداشته بودند، او همه این هشدارها را ندیدگرفته تا در میان ملت عراق حضور یابد؛ با مشکلاتشان شریک باشد و عزم آنان را برای اداره راه محکمتر کند. پس از ورود به عراق، ملیونها نفر از هم وطنانش در شهرها و استان های واقع بر مسیر کاروان، برای استقبال ایشان بیرون آمدند.

شهید حکیم با سخنرانی‌هایی که در میان راه ایراد فرمود و همچنین با خطبه‌های نماز جمعه، به آگاهی مردم مؤمن عراق می‌افزود و همواره شعار عدالت، وحدت، و استقلال را برافراشته بود و اصول و دیدگاه‌های دینی نسبت به این اصول را معین نموده مردم را با مسئولیت‌هایشان آشنا می‌ساخت. او توانست با این راه کار، در داخل عراق پروژه کاملی را پیریزی کند که امکان موفقیت را داشته و بر روبرو شدن با چالش‌ها و بیرون کشیدن عراق از مشکلاتش توانا باشد.

اما سوداگران مرگ شخصیت پر نفوذ و برنامه‌های سود بخش ایشان را برنتابیدند و جنگ و دندان خود را برای او تیز کردند. در جمعه خونین، شهید حکیم بدون اعتنا به شایعات ورود ماشین‌های بمب‌گذاری شده به نجف، برای اقامه نماز جمعه به حرم مشرف شد. پس از این که نماز جمعه را در جوار بارگاه مطهر امیرالمؤمنین (علیه السلام) به پایان رساند، از حرم خارج شد.

هم زمان با راه افتادن ماشین حامل او، صدای هولناک انفجار، ستون‌های حرم امام علی (علیه السلام) را به شدت لرزاند و شکاف‌هایی را بر دیوارهای حرم به جا گذاشت. از سوی دیگر اعضای بدن

بیش از صد شهید در فضای اطراف حرم پخش شد و صدها نمازگزار و زائر حرم مطهر نیز زخمی شدند. در این روز شهید حکیم شهادت را در آغوش گرفت و به دیدار خداوند شتافت و به 63 شهید آل حکیم پیوست.

این جنایت بزرگ، راه شهید حکیم را هدف قرار داد، راه مبارزه درازی که برگ های تابناکی را در خود جای داده است و نقاب از شخصیتی مکتبی، آرمانی و گرانقدر گشوده است و شجاعت و فداکاری کم نظیر و اراده و پشتکار کمیاب او را هویدا ساخته که برای نسل های آینده ما همچنان خاطره آفرین و عزتبخش و درس آموز باقی خواهد ماند .

این حادثه، زندگی شهید حکیم را آن گونه پایان داد که آرزو داشت و از خدای خود میخواست، که پایان بخش اعمالش شهادت در راه خدا باشد.